یادداشت

بررسی چالش‌های قانونی و اجرایی موجود در برگزاری کنسرت

بهروز جوانمرد
وکیل پایه یک دادگستری

نظام حقوقی ایران به‌طور کلی ترکیبی از نظام حقوقی رومی-ژرمنی (نوشته) و آموزه‌های شریعت اسلام است و مسامحه سایر نویسندگان حقوقی در کتاب‌های خود که نظام حقوقی ایران را همواره جزو نظام‌های نوشته قرار داده و می‌دهند، نمی‌تواند این واقعیت را تغییر دهد که مبتنی بر اصول چهارم و یکصدوشصت‌وهفت قانون اساسی، نظام حقوقی ایران خود را وامدار و پایدار تعالیم شریعت اسلام می‌داند، به‌طوری که به قاضی تکلیف کرده در موارد سکوت، نقص یا اجمال قوانین موضوعه (نوشته)، با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوای معتبر، حکم قضیه را صادر کند. این مجوز همچنین در ماده ۲۲۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در خصوص حدودی که در این قانون نام‌شان نیامده نظیر ارتداد به قاضی داده شده است.

از این‌رو سخن لغوی نیست اگر گفته شود نظام حقوقی ایران از نوع مختلط یا تکثرگراست، یعنی ترکیبی از آموزه‌های غیرشرعی و شرعی، در این میان یک کُنش‌یار (کاتالیزور) دیگر نیز در امر حکمرانی در طول سالیان گذشته دخیل بوده است که به آن «ملاحظات» گفته می‌شود. عنصری که در برخی موارد به قدری قوی عمل می‌کند که حتی نظام حقوقی و اداری ایران را دستخوش تحول و تغییر قرار می‌دهد.

یکی از این نمونه‌های اخیر چالش برگزاری کنسرت موسیقی اعم از سنتی و پاپ به صورت مختلط و غیرمختلط در برخی شهرهای مذهبی است. در این نوشتار به بررسی این چالش‌ها و رهیافت‌های احتمالی پرداخته می‌شود.

با وجود این که متولی و مسئول اصلی حوزه فرهنگ و هنر در ایران، وزارت ارشاد است و تنها این وزارتخانه است که نقش حاکمیتی دارد اما قوه قضائیه (دادستانی) و اداره اماکن نیروی انتظامی و شورای تامین در شهرستان‌ها و اخیرا برخی نمایندگان ولی‌فقیه از جمله نهادها و مقاماتی هستند که اجرای برخی کنسرت‌ها را در برخی شهرهای ایران باوجود داشتن تایید وزارت ارشاد به‌چالش کشیده‌اند.

پرسشی که این نوشتار به دنبال پاسخ‌دهی به آن است این که از نظر معیارهای حکمرانی خوب (Good governance) و حاکمیت قانون (rule of law) چگونه می‌توان به یک همدلی، وفاق و همنوایی در وضع حاضر رسید؟

از نظر قوانین موجود در زمینه برگزاری کنسرت و جشن ماده ۲۰ آیین‌نامه اماکن عمومی مصوب ۱۳۶۳ هیأت وزیران می‌گوید «برگزاری هر نوع مجلس جشن و عروسی، مهمانی، شب‌نشینی و امثال آن یا اجرای هر گونه برنامه هنری و نمایشی در اماکن عمومی مستلزم تایید محتوای برنامه هنری و نمایشی از سوی وزارت ارشاد اسلامی و تحصیل اجازه مخصوص شهربانی یا کلانتری محل (حداقل ۴۸ ساعت قبل) است. بدیهی است مسئولان اماکن عمومی مزبور باید ساعت و روز تشکیل مراسم و صرفا مشخصات پیشنهادکننده مراسم را با ارایه دو عدد کارت ورود به سالن به مسئولان ذیربط شهربانی جمهوری اسلامی ایران اعلام کنند.»

بیش از ۳۰ سال از حیات قانونی این آیین‌نامه می‌گذرد و هیأت وزیران فعلی در ۱۳۹۵/۴/۱۳ اقدام به اصلاح ماده ۲۰ قبلی و الحاق سه تبصره به آن کرد، به این شرح که «صدور مجوز اجرای برنامه‌های فرهنگی، هنری از جمله اجرای صحنه‌ای موسیقی و تئاتر به عهده وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است و از جهت بررسی انتظامی و ترافیکی به نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران اعلام و نیروی انتظامی موظف است ظرف ۱۰ روز نظر خود را ارایه و نظم و امنیت محل و مراسم را بدون دخالت در مجوز و محتوای برنامه و ویژگی مجریان تامین کند. متقاضیان برگزاری برنامه‌های مزبور موظفند حداقل ۴۸ ساعت قبل از اجرای برنامه، ساعت و روز تشکیل مراسم و صرفا مشخصات پیشنهادکننده مراسم را با ارایه دو عدد کارت ورود به محل برگزاری به مسئولان ذیربط نیروی انتظامی اعلام کنند.»

و بنابر تبصره‌های الحاقی جدید اولا صدور مجوز برگزاری جشنواره‌های فرهنگی، سنتی و هنری که براساس قوانین مربوط برعهده سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری است مشمول این ماده خواهد بود، ثانیا عدم‌ارایه پاسخ در مهلت ۱۰ روزه مقرر توسط نیروی انتظامی به‌منزله فقدان مشکل انتظامی و ترافیکی است و ثالثا اماکن عمومی دارای مجوز برگزاری مجالس جشن، عروسی، مهمانی و شب‌نشینی نیازی به اخذ اجازه دیگری از نیروی انتظامی ندارند.

به این ترتیب به نظر می‌رسد دست‌کم از نظر مقررات موضوع برگزاری کنسرت در همه شهرها با ضوابط مقرر شده بلامانع باشد، البته باید در نظر داشت که ماده ۲۴ آیین‌نامه موصوف مقرر داشته «در اماکن عمومی ایجاد صداهای ناهنجار، ادای الفاظ رکیک و انجام حرکات زشت و اعمالی که موجب سلب آسایش دیگران یا ضرر به اموال عمومی شود، ممنوع است و صاحبان اماکن عمومی مکلفند متخلف را به ماموران انتظامی معرفی کنند.» از این‌رو نیروی انتظامی در اجرای اقدامات پیشگیرانه از جرم بدیهی است که باید در محل برگزاری کنسرت چه قبل از شروع، چه در خلال آن و چه در پایان آن حضور داشته باشد.

البته باید در نظر داشت که نیروی انتظامی تنها یکی از چالش‌های احتمالی در برگزاری کنسرت در شهرهاست و هنوز دفتر موسیقی وزارت ارشاد نتوانسته به‌عنوان تنها نهاد حاکمیتی حوزه موسیقی جامه عمل بپوشاند و در این راستا با قوه قضائیه و شورای تأمین استان ممکن است در چالش قرار بگیرد.

اصل ۱۷۶ قانون اساسی می‌گوید « شورایعالی امنیت ملی به تناسب وظایف خود شوراهای فرعی از قبیل شورای دفاع و شورای امنیت کشور تشکیل می‌دهد. ریاست هر یک از شوراهای فرعی با رئیس جمهوری یا یکی از اعضای شورایعالی است که از طرف رئیس جمهوری تعیین می‌شود. حدود اختیارات و وظایف شوراهای فرعی را قانون معین می‌کند و تشکیلات آنها به تصویب شورایعالی می‌رسد. مصوبات شورایعالی امنیت ملی پس از تایید مقام رهبری قابل اجراست.» در راستای تشکیل شورای امنیت کشور، قانون راجع به تعیین وظایف و تشکیلات شورای امنیت کشور مصوب ۱۳۶۲ مقرر داشته یکی از وظایف شورای امنیت کشور برقراری ارتباط با شورای تامین استان‌هاست. در همین راستا ماده۵ این قانون یکی از وظایف شورای تامین استان‌ها را تبیین حدود وظایف و اختیارات هر یک از ارگان‌ها و نهادها در رابطه با امنیت استان در چارچوب وظایف قانونی هر یک از آنها پیش‌بینی کرده است. در این شورا مقاماتی از جمله استاندار، فرمانده نیروی انتظامی و مسئول اطلاعات استان و دادستان عمومی و انقلاب حضور دارند. بحث حفاظت و حراست از شخصیت‌ها، اماکن و تاسیسات در شورای امنیت و شوراهای تامین مطرح و بررسی شده و به حسب مورد برعهده نهادها و ارگان‌های ذیربط گذارده می‌شود. در این قانون درخصوص حضور سایر مقامات در شورای تامین استان صحبتی نشده است. لذا به نظر می‌رسد با توجه به اصل ۵۷ قانون اساسی موضوع تعیین قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران و تاکید بر استقلال آنها از یکدیگر و تبیین وظایف و اختیارات خاص هر یک از سه قوه مقننه، قضائیه و مجریه همچنین ماده۵ قانون راجع به تعیین وظایف و تشکیلات شورای امنیت کشور مصوب ۱۳۶۲/۶/۱۰ که مقرر داشته «شورای تامین استان به‌عنوان عالی‌ترین مرجع امنیتی، وظیفه تامین و حفظ امنیت استان را دارد» و در بندهای «الف» و «د» ماده مذکور به صراحت موضوع تعیین حدود وظایف و اختیارات هر یک از ارگان‌ها و نهادها در رابطه با امنیت استان همچنین در بند «ل» ماده۸ قانون یادشده بررسی و اتخاذ تصمیم در زمینه پیشگیری و مقابله با اغتشاشات، اعتراضات، بی‌نظمی‌ها و فعالیت‌های غیرمجاز در سطح استان تاکید شده است. علی‌القاعده درخصوص برگزاری کنسرت باید به‌صورت یکنواخت و هماهنگ در همه شهرهای ایران عمل شود و لذا شاید شورایعالی امنیت ملی که مصوباتش در حکم قانون است، باید درخصوص تجویز یا عدم تجویز برگزاری هر نوع کنسرت در ایران مصوبه‌ای را از مسیر تصویب بگذراند تا پراکندگی و افتراق و تشتت در تصمیم‌گیری و شیوه برخورد در این خصوص پایان پذیرد. هرچند شاید ورود شورایعالی امنیت ملی به این مقوله‌ها زیبنده نباشد و مصوبات هیأت وزیران باید همان قدرت اجرایی مصوبات شورای مذکور را نیز داشته باشد، نه این که در برخورد با برخی ملاحظات دچار لغزش و تهافت در عملیات اجرایی شود.

وظایف و اختیارات اورژانس اجتماعی در مواجهه با موارد اجتماعی چگونه است

امدادرسانی برای آزار دیده‌ها

مهرنوش گرکانی -شهروند حقوقی | صدای فریاد و جیغ از دیوارهای اتاق به خانه رخنه می‌کند. صدای فریادهای توهینی که از سمت زن به شوهر و شوهر به زن در سکوت ساختمان می‌پیچد. فریادها و دعواهای‌شان ساعت نمی‌شناسد؛ ممکن است ساعت ۲ نیمه‌شب باشد یا ۲ بعدازظهر. از میان صدای فریادهای زن و شوهر صدای ناله و گریه کودکی هم شنیده می‌شود که با التماس از پدر و مادرش می‌خواهد دعوا را تمام کنند. صدای شکستن ظرف، پرتاب‌شدن اشیا و تکان‌خوردن میز و صندلی هم میان صدای فریادها شنیده می‌شود. از میان صداها، صدای شیون‌های زن بیش از همه به گوش می‌رسد و با فریاد سعی می‌کند از خود دفاع کند. فریادهایی با مضمون این که دیگر نمی‌خواهد کتک بخورد، توهین‌هایی که به همسرش می‌کند و می‌گوید، چرا دست روی یک زن بلند می‌کنی. در آخر هم همیشه صدای کوبیده‌شدن دری می‌آید و پس از آن صدای شیون‌های زن که به نظر می‌رسد در اتاقی زندانی شده است و با التماس و گاهی هم با توهین می‌خواهد که از زندان درون خانه‌اش نجات پیدا کند.

در این زمان هر کسی به کمک فکر می‌کند، به این که باید راهی باشد تا کودک و مادر را نجات داد. البته که در بسیاری از این موارد همسایه‌ها سعی می‌کنند تا با یک دخالت کمکی به همسایه‌شان بکنند و فضا را آرام کنند. اما کمتر پیش می‌آید تا همین همسایه‌ها به اورژانس اجتماعی زنگ بزنند و از آنها درخواست کمک کنند. حداقل در این یک مورد که اتفاق نیفتاده است. البته که این می‌تواند بدان معنا باشد که مردم جامعه ما با اورژانس اجتماعی و خدماتش آشنایی ندارند.

اورژانس اجتماعی چیست؟

در هر جامعه‌ای برای پاسخگویی به نیازهای مردم و حل یا کاهش مشکلات آنها تمهیداتی اتخاذ و برنامه‌هایی تدوین و اجرا می‌شود. کشور ما نیز از این قاعده مستثنی نیست. گرچه این برنامه‌ها می‌تواند حسب شرایط مختلف موجود در کشورها متفاوت باشد اما آن‌چه مهم است این که مسائل و راهکارهای مناسب شناخته و اجرا شوند. یکی از این برنامه‌ها در ایران «برنامه اورژانس اجتماعی» است که حاصل فعالیت چندین ساله سازمان بهزیستی کشور در دفتر امور آسیب‌دیدگان اجتماعی است. این برنامه تلفیقی از مداخله در بحران، فردی، خانوادگی و اجتماعی (مرکز اورژانس اجتماعی)، خط تلفن اورژانس اجتماعی (۱۲۳)، تیم سیار اورژانس اجتماعی (خدمات اجتماعی سیار) و پایگاه اورژانس اجتماعی (پایگاه خدمات اجتماعی) که در مرحله نخست با هدف توانمندسازی اجتماع‌محور شود و در سکونت‌های غیررسمی تدوین شده بود، است. در این برنامه ویژگی مهم ارایه خدمات اجتماعی یعنی «تخصصی‌بودن»، «به‌موقع‌بودن» و «دردسترس‌بودن» مدنظر قرار گرفته است تا از این طریق ارایه خدمات اجتماعی به مردم در سازمان بهزیستی کشور محدود به زمان و مکان نشود و رویکرد فعال، جایگزین رویکرد غیرفعال شود و «اجتماع جامعه‌محوری» در برنامه‌ها عملیاتی شود. این برنامه استفاده بهینه از منابع مادی و معنوی (نیروی انسانی)، کاهش دیوان‌سالاری اداری، تجمع خدمات، هماهنگی بین واحدها، جامعیت و فراگیری و... را در پی دارد. این برنامه قصد دارد تا مداخله‌های روانی اجتماعی را قبل از مداخله‌های قضائی و انتظامی و حتی در کنار این مداخله‌ها جایگزین کند که این مسأله در پیشگیری از وقوع جرم و قضازدایی نیز نقش مهمی ایفا می‌کند. شناسایی آسیب‌های اجتماعی شایع و درحال شیوع به‌صورت کشوری، منطقه‌ای و محلی نیز از طریق این برنامه صورت خواهد پذیرفت. درواقع این نوع مداخله‌ها تاثیرگذاری تئوری برچسب را به حداقل خواهد رساند تا زمینه‌ای برای توانمندسازی افراد در معرض آسیب و آسیب‌دیده اجتماعی و بازگشت آنها به زندگی سالم باشد. اصول اورژانس اجتماعی شامل مواردی از جمله کمک به حذف آسیب‌های اجتماعی، ارایه خدمات با سه ویژگی به‌موقع‌بودن، دردسترس‌بودن و تخصصی‌بودن، همکاری درون و برون‌سازمانی، انجام کار تیمی، رویکرد علمی در مداخلات، مسأله‌یابی به‌موقع، توانمندسازی اجتماعی‌محور، جامعیت اقدامات و فراهم‌کردن زمینه مشارکت برای مردم و سازمان‌های مردم‌نهاد است.

کنترل و کاهش بحران‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی، جایگزینی مداخلات روانی و اجتماعی به‌جای مداخلات انتظامی و قضائی، پیشگیری از وقوع جرم و ارتقای توانمندی افراد در معرض آسیب نیز اهداف این طرح عنوان شده است.

چه کسانی شامل کمک از اورژانس اجتماعی می‌شوند

گروه‌های هدف این برنامه نیز زوجین متقاضی طلاق و افراد دارای اختلاف خانوادگی حاد، زنان و دختران آسیب‌دیده اجتماعی، کودکان کار و خیابان، همسران و کودکان آزاردیده، دختران و پسران فراری از منزل و سایر افرادی هستند که به هر دلیل در شرایط بحرانی قرار گرفته‌اند. خدمات تخصصی این برنامه نیز خدمات مددکاری، روانشناسی، تربیتی، حقوقی، فرهنگی و آموزشی است. اما برای اجرای هرچه بهتر این برنامه به اطلاع‌رسانی و آگاه‌سازی به آحاد جامعه، ایجاد هماهنگی با سازمان‌های مرتبط، نظارت مستمر بر فعالیت‌های برنامه، آسیب‌شناسی و انعکاس به ستاد مرکزی سازمان بهزیستی، تهیه بانک اطلاعات مراکز و موسسات در شهرستان‌ها، ارایه گزارش از عملکرد برنامه به مسئولان و نظارت و ارزیابی مستمر ضروری است.

کودک‌آزاری دردناک است

چند سال پیش از یکی از خیابان‌های مرکز شهر عبور می‌کردم. مادر و پدری به همراه کودک ۲ یا ۳ ساله‌شان دقیقا جلویم حرکت می‌کردند. کودک گریه می‌کرد و در میان صدای هق‌هق مادرش را صدا می‌کرد. پدر بعد از دقایقی عصبانی شد و دست کودک را با فشار زیادی لای دندان‌هایش قرار داد. گریه کودک شدت گرفت و از مادرش طلب کمک می‌کرد اما مادر بی‌توجه بود. پدر کودک کوچکش را بارها و بارها مورد ضرب‌وشتم قرار داد. کودکی معصوم و بی‌دفاع که دیگر حتی توان گریه هم نداشت. خانم مسنی به پدر تذکر داد و در همان لحظه با برخورد تند پدر مواجه شد و وقتی پافشاری کرد مورد ضرب‌وشتم قرار گرفت. مردم دیگر اما بی‌توجه بودند. تا متوجه شدند که می‌خواهم با پلیس تماس بگیرم، با سرعت از آن خیابان فرار کردند و هرچه تلاش کردم نتوانستم متوقف‌شان کنم. در برخورد با چنین مواردی به نظر می‌رسد بیشتر همکاری و همیاری مردم تاثیرگذار است تا ماموران پلیس یا اورژانس اجتماعی بتوانند خود را به محل برسانند.

ماموران اورژانس اجتماعی ضابط قضائی نیستند

حسین اسدبیگی
رئیس اورژانس اجتماعی کشور

برنامه اورژانس اجتماعی در معاونت اجتماعی بهزیستی کشور با شروع به کار مراکز مداخله در بحران از سال ۱۳۷۸ شروع به کار کرد. از سال ۱۳۸۳ خط سه رقمی ۱۲۳ هم به آن اضافه شد و سال ۱۳۸۷ خودروهای خدمات سیار هم اضافه شدند و اورژانس اجتماعی شکل گرفت. درحال حاضر تا قبل از پایان سال تعداد ۱۹۷ مرکز اورژانس اجتماعی در تمام استان‌های کشور و ۲۹۷ خودروی خدمات سیار وجود داشت که خوشبختانه در سال‌جاری در مجلس شورای اسلامی تصویب شد که در برنامه ششم توسعه ۱۴۰ مرکز دیگر در شهرهای جمعیت بالای ۵۰هزار نفر اضافه شود. از ابتدای سال تاکنون ۶۰ مرکز جدید در شهرستان‌ها افتتاح شده و تا پایان سال در تمامی ۱۴۰ شهرستان با بودجه خوبی که از طرف مجلس مصوب شده (۱۰۰ میلیارد تومان از محل هدفمندی یارانه‌ها) این مراکز افتتاح خواهد شد. گروه‌های هدف کسانی هستند که دچار خشونت‌های خانگی مانند کودک‌آزاری و همسرآزاری شدند، کسانی که اقدام به خودکشی کردند و همین‌طور پسران و دخترانی که از منزل فرار کردند و تمام افرادی که دچار بحران با شروع به کار مراکز مداخله در بحران‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی هستند. مراکز اورژانس اجتماعی حتی برای کسانی که به دلیل مشکلات خاص قادر به ماندن در منزل در طول شب نیستند، محل اسکان در نظر گرفته تا آسیب‌دیدگان محافظت شوند.

نکته دیگر این که اختیارات افراد اورژانس اجتماعی مشخص‌شده است. ماموران ما ضابط اجتماعی یا قضائی نیستند و امکان مورد هجوم قرار گرفتن کارشناسان ما از سوی افراد وجود دارد. به‌عنوان نمونه کسی که کودک خود را به گدایی وادار کرده یا کودک‌فروشی یا کودک‌آزاری انجام داده ممکن است با مداخلات اورژانس اجتماعی دچار خشم شده و به همکاران ما حمله کند. این موضوع چندین‌بار طی سال‌های اخیر به وقوع پیوسته و حتی یک مورد در حضور ماموران نیروی انتظامی حمله فیزیکی شدیدی به همکاری که قصد گرفتن بچه با حکم قضائی را داشت، صورت گرفت. با این حال همکاران ما در اورژانس اجتماعی طبق رسالتی که بر دوش دارند این مهم را انجام خواهند داد و نگرانی‌ای از بابت آسیب‌ها ندارند.

اورژانس اجتماعی حق برخورد فیزیکی ندارد

بهمن کشاورز
حقوقدان و وکیل پایه یک دادگستری

اقدامات مجرمانه که افراد ممکن است انجام دهند دو نوع است تعقیب بعضی نیاز به شاکی دارد و تعقیب برخی دیگر می‌تواند بدون اعلام شاکی و به صرف آگاهی مقام قضائی انجام شود. در گروه دوم صرف اعلام جرم از جانب هر کسی که در جریان وقوع آن قرار می‌گیرد، مرجع قضائی یعنی دادسرا را درگیر رسیدگی می‌کند. البته از این مرحله به بعد اعلام‌کننده جرم نقشی ندارد و دادسرا خود به پیگیری کار ادامه می‌دهد. استثنائا بعضی از سازمان‌های مردم‌نهاد را قانون‌گذار به موجب قانون آیین دادرسی کیفری جدید برای دخالت در مواردی از این‌گونه و پیگیری کار مجاز شناخته است.

بعضی از اقدامات خطرناک و ضداجتماعی درخور آن است به‌فوریت و قاطعیت با آنها مقابله شود. از جمله کودک‌آزاری، جرایم علیه اشخاص، به‌ویژه جرایم علیه بانوان و مانند اینها. قانون‌گذار در قانون حمایت از کودکان و نوجوانان ضمن این که همه افراد زیر ۱۸ سال را مشمول این قانون قرار داده، کودک‌آزاری را جرم عمومی اعلام کرده است که نیازی به شاکی خصوصی ندارد. بنابراین هرگاه دیدیم از خانه همسایه صدای گریه و فریاد می‌آید، خواه این صدا مربوط به کودک یا خانم یا حتی آقایی باشد، نباید موضوع را نادیده بگیریم، بلکه باید بلافاصله به پلیس ۱۱۰ و شماره اورژانس اجتماعی با ذکر نشانی و محل اعلام کنیم. اعلام به اورژانس اجتماعی این خاصیت را دارد که اعلام ما ثبت و ضبط می‌شود و چون پلیس هم می‌داند که چنین تشکیلات و فرآیندی وجود دارد، عکس‌العمل فوری نشان خواهد داد.

همچنین اگر در خیابان و شارع عام به موردی از تعرض و ایراد ضرب نسبت به بچه‌ها و بانوان برخوردیم، باید بلافاصله موضوع را به پلیس اطلاع دهیم و در مورد کودکان با کمک سایر رهگذران به‌ویژه از این که فرد مورد ظن بچه را از محل دور کند و با خود ببرد تا آمدن پلیس جلوگیری کنیم. توجه داشته باشیم که تعبیری که قانون‌گذار در مقام تعریف جرایم مشهود به کار برده تلویحا به افراد عادی نیز اجازه می‌دهد نسبت به دستگیری افراد متهم به ارتکاب جرایم مشهود اقدام کنند، البته این کار باید با نهایت احتیاط انجام شود. اما در مورد ربودن کودکان و بانوان شاید این احتیاط هم جایز نباشد و هر فرد مکلف است آنچه را می‌تواند در قبال مرتکبان این‌گونه جرایم انجام دهد.

تشکیلات اورژانس اجتماعی حق اقدام فیزیکی ندارد. حداکثر کاری که می‌تواند بکند این است که موضوع را به مقامات نظامی و انتظامی اطلاع دهد و احیانا در حد حضور در محل آن هم نه در داخل خانه بلکه در خیابان یا حداکثر مثلا در قسمت عمومی مجتمع آپارتمانی دخالت کند و منتظر اقدام پلیس شود. بدیهی است در مواردی که بیم خطر بسیار شدید برای فردی —به‌ویژه کودک یا خانم— وجود داشته و این فرد کمک بخواهد دیگر افراد از جمله ماموران اورژانس اجتماعی با رعایت ضوابط مربوط به دفاع مشروع حق دخالت دارند ولی بدیهی است که این دخالت ناچار آنها را در معرض شکایات بعدی قرار خواهد داد. بنابراین به نظر می‌رسد بهترین راه توسل به نیروی انتظامی و درخواست اقدام سریع است و البته نیروی انتظامی نیز باید به فوریت اقدام کند.

خانمی که در خارج از کشور زندگی می‌کند برایم تعریف کرد که مشغول آماده‌کردن نوه خود برای بردن به استخر مجموعه ساختمانی بوده که با صدای زنگ در مواجه می‌شود و چون زبان انگلیسی نمی‌دانسته متوجه آنچه زنگ‌زننده می‌گفته نمی‌شود و در را باز نمی‌کند. بعد از چند لحظه با کوبیده‌شدن در آپارتمان و بعد از باز کردن در با سه پلیس قوی‌هیکل مواجه می‌شود که از او سراغ حضور بچه در خانه را می‌گیرند. عاقبت مشخص می‌شود که روز گذشته به نوه این کودک در کودکستان آموزش گرفتن شماره ۹۱۱ را در صورت لزوم داده‌اند. بچه از روی کنجکاوی بعد از گرفتن شماره و شنیدن صدای مخاطب ترسیده و تلفن را قطع کرده است. مرکز پلیس از روی شماره بلافاصله آدرس را پیدا و اقدام می‌کند و ظرف چند دقیقه ماموران را اعزام کرده است. خانم می‌گفت تا زمانی که مطمئن نشدند مشکلی نیست، نرفتند و بعد با بچه صحبت کردند و به او آموزش دادند. وقتی از پنجره نگاه کردم دیدم دو خودروی پلیس و خودروی آتش‌نشانی و آمبولانس حضور دارند. گمان می‌رود هم پلیس و هم مردم ما درخور چنین برخورد و اقدامی هستند. همچنین به نظر بنده موضوع استفاده از اورژانس اجتماعی در مورد حیوان‌آزاری باید اعمال شود.